

بادداشتی از علی بهمنی، کارشناس حوزه ایمنی و بهداشت کار؛

بررسی جامعه‌شناختی و ایمنی حوادث آتش‌سوزی و انفجار پس از جنگ

علی بهمنی کارشناس ارشد حوزه ایمنیو بهداشت کار گفت: آمار رسمی نشان می‌دهد انفجارهای گاز در تهران از ۲۴ مورد در سال ۱۴۰۲ به ۳۴ مورد در ۱۴۰۳ رسیده، اما آنچه اکنون این حوادث را به بحرانی اجتماعی تبدیل کرده، تغییر ادراک عمومی پس از جنگ و سوءاستفاده رسانه‌ها و دشمنان از این فضا است.

به گزارش خبر پایگاه اطلاع رسانی معدن پیشرو، علی بهمنی، کارشناس حوزه ایمنی و بهداشت کار در یادداشتی با عنوان "بررسی جامعه‌شناختی و ایمنی حوادث آتش‌سوزی و انفجار پس از جنگ" آورده است؛

در پی جنگ ۱۲ روزه اخیر و برقراری آتش‌بس، شاهد افزایش چشمگیر گزارش‌های مربوط به آتش‌سوزی‌های صنعتی و انفجارهای گاز در سطح کشور هستیم. این در حالی است که بسیاری از این حوادث در گذشته نیز به طور مرتب رخ می‌داده‌اند، اما شرایط خاص پس از جنگ باعث شده این رویدادها ابعاد جدیدی به خود بگیرند و در کانون توجه افکار عمومی قرار گیرند.

برای درک بهتر این پدیده، باید به نظریه‌های جامعه‌شناسی ترس مراجعه کنیم. اولریش بک در نظریه "جامعه ریسک" به خوبی توضیح می‌دهد که چگونه جوامع مدرن در مواجهه با بحران‌ها، نسبت به تهدیدهای نامرئی حساسیت بیشتری نشان می‌دهند.

پس از جنگ، جامعه به طور طبیعی در حالت هشجاری افراطی قرار می‌گیرد و این باعث می‌شود حوادثی که پیش از این عادی تلقی می‌شدند، اکنون به عنوان تهدیدهای برنامه‌ریزی شده تفسیر شوند. فرانک فوردی نیز نشان داده است که رسانه‌ها و گفتمان سیاسی در چنین شرایطی، با برجسته‌سازی مفهوم "دشمن نامرئی"، به این حساسیت دامن می‌زنند.

از منظر فرهنگ ایمنی، نظریه‌پردازانی مانند جیمز ریسون و چارلز پرو به ما کمک می‌کنند تا بفهمیم چرا سیستم‌های گزارش‌دهی حوادث در ایران نتوانسته‌اند اعتماد عمومی را جلب کنند. ریسون تأکید دارد که بیشتر حوادث صنعتی نه به دلیل خطاهای فردی، بلکه به دلیل نقص در طراحی سیستم‌های ایمنی رخ می‌دهند.

در شرایط ایران، فرسودگی زیرساخت‌های گاز و صنعتی که تا حدی ناشی از تحریم‌ها و مدیریت ناکارآمد است، عامل اصلی بسیاری از این انفجارها محسوب می‌شود. اما متأسفانه گزارش‌های رسمی معمولاً به جای پرداختن به این ریشه‌های ساختاری، به دنبال مقصرهای فردی می‌گردند.

نظریه توطئه‌پنداری نیز در این زمینه بسیار روشن‌گر است. تحقیقات نشان می‌دهند که سه عامل اصلی در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند: بی‌اعتمادی تاریخی به نهادهای رسمی، ابهام در اطلاعات ارائه شده، و اضطراب جمعی ناشی از بحران‌های اخیر.

در شرایط کنونی ایران، هر سه این عوامل به شدت حاضر و فعال هستند. سابقه عدم شفاف سازی و ارایه گزارش‌های اعتماد سازی اجتماعی در بررسی حوادث مهم باعث شده مردم به روایت‌های رسمی کمتر اعتماد کنند.

از سوی دیگر، عدم شفافیت در بیان دلایل واقعی حوادث اخیر، فضایی مناسب برای رشد گمانه‌زنی‌های مختلف فراهم کرده است.

با نگاهی به آمار و داده‌های موجود، تصویر واضح‌تری به دست می‌آید. بررسی پوشش رسانه‌ای قبل و بعد از جنگ نشان می‌دهد که حوادثی مانند آتش‌سوزی‌های صنعتی که پیش از این در صفحه حوادث روزنامه‌ها با تیترهای کوچک منعکس می‌شدند، اکنون با تیترهای درشت و عباراتی مانند "مشکوک" یا "خرابکاری" منتشر می‌شوند.

این تغییر نگرش رسانه‌ای به خوبی در تحلیل ترندهای شبکه‌های اجتماعی نیز قابل مشاهده است. هشتگ‌های مرتبط با آتش‌سوزی‌ها که پیش از جنگ کمتر از ۱۰۰۰ بازنشر داشتند، اکنون به ده‌ها هزار بازنشر رسیده‌اند.

مقایسه آمار حوادث نیز جالب توجه است.

بر اساس گفته‌های مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران « بطور میانگین، در شرایط عادی و نرمال، روزانه حدود ۳۵۰ حادثه و خدمات ایمنی در شهر تهران در سامانه ما ثبت می‌شود که حدود ۱۵۰ مورد آن مربوط به حریق و آتش‌سوزی است. به گفته وی، بسیاری از این حوادث به دلیل تکرار و حجم کاری بالا ممکن است از دید عموم پنهان بماند یا حساسیتی در جامعه ایجاد نکند.»

همچنین در سال ۱۴۰۲، ۲۴ مورد حادثه انفجار گاز در شهر تهران به ثبت رسیده که میانگین آن دو حادثه در ماه است.

این آمار در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته و به ۳۴ مورد رسیده است و از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ۲۶ تیرماه، هفت مورد انفجار گاز در تهران رخ داده است.

اما رسانه‌ها در این میان نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند. از یک سو، شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌هایی که محتوای هیجان‌برانگیز را نشان می‌دهند، به گسترش روایت‌های توطئه‌محور دامن زده‌اند. نمونه بارز آن ویدئوی‌های است که از حوادث اخیر با موسیقی دراماتیک و متن هشداردهنده منتشر شد و ده‌ها برابر بیشتر از تحلیل‌های کارشناسی دیده شد.

از سوی دیگر، رسانه‌های رسمی نیز با سواستفاده از شرایط روانی جامعه، اخبار را به صورت گزینشی و هیجان‌زده منتشر کرده‌اند.

برای درک بهتر این تفاوت نگرش، می‌توان به حوادث معدنی اشاره کرد. در سال‌های گذشته، این نوع حوادث همیشه مورد توجه ویژه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفته‌اند. دلیل این امر نه فقط تلفات انسانی بالاتر، بلکه وجود گفتمان عدالت‌خواهانه حول ایمنی کارگران بوده است.

در مقابل، آتش‌سوزی‌های انبارها یا انفجارهای گاز خانگی که معمولاً تلفات کمتری داشتند، کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند. این تفاوت رفتار رسانه‌ای به خوبی نشان می‌دهد که چگونه اولویت‌های خبری می‌توانند ادراک عمومی از واقعیت را تحت تأثیر قرار دهند.

برای مواجهه سازنده با این پدیده، نیاز به راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت داریم. در کوتاه‌مدت، انتشار فوری و شفاف گزارش‌های کارشناسی پس از هر حادثه می‌تواند به کاهش گمانه‌زنی‌ها کمک کند. به عنوان مثال، انتشار ویدئوی بررسی یک انفجار گاز توسط کارشناسان مستقل می‌تواند بسیار مؤثرتر از بیانیه‌های کلی باشد.

در بلندمدت، ایجاد سامانه ملی رصد حوادث صنعتی با دسترسی عمومی به آمار و علل حوادث، می‌تواند به بازگرداندن اعتماد عمومی کمک کند. همچنین آموزش رسانه‌ها برای پرهیز از انتشار اخبار هیجان‌زده بدون سند و مدرک، گام دیگری در این مسیر است.

در نهایت باید پذیرفت که تغییر در ادراک عمومی - و نه لزوماً افزایش واقعی حوادث - عامل اصلی این جریان بوده است. مدیریت این پدیده پیچیده نیازمند ترکیبی از شفاف‌سازی، بهبود فرهنگ ایمنی، و مسئولیت‌پذیری رسانه‌هاست. تنها با چنین رویکرد جامعی می‌توان از تشدید بی‌اعتمادی و گسترش گفتمان‌های تخریبی جلوگیری کرد.

و در پایان باید به این مسئله مهم توجه کرد وقتی دشمن، شرایط جمعی کشور در پس بروز این نوع رویدادها را رصد می‌کند از این فرصت خلق شده نهایت بهره را برای ایجاد آشفتگی روانی بیشتر کشور می‌برد و با بزرگ‌نمایی‌های گسترده شرایط را وخیم‌تر می‌کند همچنین ممکن است از طریق عوامل نفوذی تعداد این قبیل رویدادها را به مرور افزایش دهد تا شرایط اضطرار و جنگ را تشدید کند و فضای روانی کشور را مختل کند.

در این راستا ضروری است متولیان امور نسبت به اجرای توصیه‌های مندرج در این مطلب همت بخرج دهند و با شفاف‌سازی‌ها رسمی از ایجاد این فضای بشدت مخرب پیشگیری نمایند.

علی بهمنی، کارشناس حوزه ایمنی و بهداشت کار